

مومیایی ها

نام محقق:

سپیده چراغی

اسم هنرستان:

غیر انتفاعی صبا

زبان فارسی ۲

«بسم الله الرحمن الرحيم»

مومیایی ها

نام نویسنده:

سپیده چراغی

نام دبیر:

خانم حاج محمدیگ

زبان فارسی ۲

هنرستان غیر انتفاعی صبا ناحیه ۳

«فهرست مطالب»

صفحه

موضوع

جسد یک مرده به چه سرعتی متلاشی می شود؟

چرا جنازه پس از مرگ متلاشی می شود؟

قدیمی ترین مومیایی های خشک طبیعی در کجا یافت شده

اند؟

آرامگاه کاپوچینو در پالمو چگونه ایجاد شد؟

جنازه های باتلاق چیست؟

چرا قومها و تمدن ها مردگان خود را مومیایی می کردند؟

در کدام قسمت های دنیا اجساد مردگان مومیایی می شدند؟

قدیمی ترین آرامگاه مومیایی مصریان چه شکلی داشت؟

اهرام چگونه ایجاد شدند؟

### مومیایی های طبیعی

جسد یک مرده به چه سرعتی متلاشی می شود؟

هنگامی که انسان می میرد و آن گونه که در آلمان و اروپا متداول است بر

طبق آداب و سنن مسیحیان به خاک سپرده می شوند. قبل از آنکه تابوت

را درون گور بگذارند، پدر روحانی این کلمات را قدیمی و همیشگی ادا می

کند. «پس از آنکه خدای قادر متعال اراده کرده است روح این بنده

خدمتکار خود را بگیرد ما جسم او را به عناصر واگذار می کنیم: از خاک به

خاک، از خاکستر به خاکستر، از غبار به غبار». با این جمله مقرون به

حقیقت و واقعیت کلیسا می خواهد یک حقیقت بسیار ساده و در عین حال

تلخ را به یاد حاضران اندازد؛ حقیقتی که ما همه بسیار مشتایم آن را به یاد حاضران اندازد؛ حقیقت زندگانی همه ما پایانی دارد و بدن ما در پایان زندگی تجزیه خواهد شد و به مدار بزرگ چرخه طبیعت باز خواهد گشت.

این تجزیه طبیعی جسد بازگشتش به «خاک، خاکستر، غبار» جریان دارد. تدریجی و مداوم است که در طول سالها انجام می‌شود. طی این جریان ابتدا قسمتهای نرم بدن از میان می‌روند: جگر، کلیه‌ها، ششها، روده‌ها، مغز و ماهیچه‌ها. پس از آن نوبت نسوج شکل پذیر فرا می‌رسد: غضروفها، رگها و پی‌ها و مفاصلها. و در نهایت مقاومترین قسمت بدن اسکلت نیز از

هم می‌پاشد و تجزیه می‌شود. زمانی که برای طی این مراحل لازم است از سرزمینی تا سرزمین دیگر از مناطق جوی تا مناطق جوی دیگر و از نوع زمین تا نوع زمین دیگر متفاوت است. در واقع این زمان می‌تواند در هر محل و حتی در هر گورستانی و گوری متفاوت باشد. میانگین زمان مراحل

تجزیه جسد برای اروپای مرکزی به شرح زیر است:

قسمتهای نرم..... ۳ تا ۴ سال

نسوج اتصالی..... ۵ تا ۷ سال

اسکلت..... دهها سال

همانطور که قبلاً گفته شد در این میانگین زمانها تفاوتها و استثناهای زیادی وجود دارد. مثلاً اسکلتها می توانند میلیونها سال دوام آورند؛ اکتشافات استخوانهای جنجال برانگیز مربوط به انسانهای ماقبل تاریخ در آفریقا و آسیا این مطلب را ثابت کرده است. و در موارد استثنائی نیز گاهی جسدی به طول کامل سالم باقی می ماند که به آن «مومیایی طبیعی» می گویند.

چرا جنازه پس از مرگ متلاشی می شود؟

تجزیه جسد قبل از هر چیز در اثر عملکرد باکتریها است. این موجودات بسیار کوچک تک سلولی از همان آغاز احتضار و غلبه تدریجی مرگ از مکانهای طبیعی زندگی خود از داخل بدن به بیرون هجوم می آورند؛ از دهان، مجاری تنفسی، روده و آلت تناسلی. پس از آن از محیط خارج نیز به داخل جسد هجوم می آورند و در آن فعل و انفعالات شیمیایی بیشماری را به جراین می اندازند. فعل و انفعالات شیمیایی که کارشناسان بر حسب اینکه در آنها اکسیژن مصرف شود یا نه تحت عنوان واژه های تخصصی (تجزیه) «تعفن» (با اکسیژن) و (تجزیه) «تخمیری» (بدون اکسیژن) جمع بندی می کنند. به طور جزء و جزء تلاشی و تجزیه جسد بستگی به شرایط بسیار دیگری نیز دارد: مثلاً به نوع باکتریهایی که در کار سهیم هستند. به سن مرده، به حرارت محیط خارج، رطوبت هوا و غیره... بنابراین باکتریها

نخستین و رویهمرفته مهمترین نابد اجساد هستند؛ اما تنها نابد کننده نیستند. قبل از هر چیز در تدفین مردگان در سرزمینهایی که در آن ها مردگان بدون پوشش یا فقط در پوششی از پارچه (کفن) به خاک سپرده می شوند جانوارن کوچکی که در زیر زمین زندگی می کنند و در آنجا مواد غذایی خود را می یابند، می توانند خود را به سادگی به جسد برسانند و از آن تغذیه کنند. البته در اروپا که تابوتهای سرپوشیده چوبی به کار برده می شود این عمل با تأخیر انجام می گیرد. ولی در هر حال فقط برای مدتی کوتاه زیرا وقتی پس از چند سال چوب پوسیده شود مردگان اروپایی نیز در معرض هجوم نابد کننده موجودات ریز زیر زمینی قرار می گیرند.

روی زمین در خانه های اموات و غارهایی که به عنوان مقبره به کار می روند قبل از هرچیز نوزادان انواع معینی از حشره ها در کار نابد سازی اجساد باکتری ها سهیم می شوند. بوی عفونت اجساد آنها را تحریک می کند و راه خود را از میان شکافها و درزها به داخل قبر مرده پیدا می کنند و در آنجا کار خود را اغلب با سرعتی نفس گیر به انجام می رسانند.

ساکنان مستعمره های یونان قدیم در آسیای صغیر با این پدیده از طریق مشاهده عینی آشنا بودند و از این رو صندوقهای دفن مردگان خود را که سنگ، گل رس، یا چوب ساخته می شد «زارکوفگوس» می نامیدند. که به

معنای «گوشت خوار» است. واژه «زار کوفگوس» امروزه در زبان آلمانی برای «تابوتهای مجلل به کار می رود و به صورت کوتاه «زارگ» در زبان عامیانه مردم وارد شده است. (که به فارسی معنای تابوت را می دهد).

قدیمی ترنی مومیایی های خشک طبیعی در کجا یافت شده اند؟

«سرویلیام ماتیو فلیند رزپتری» مصر شناس معروف انگلیسی (۱۹۴۲-

۱۸۵۳ میلادی) در سال ۱۸۹۲ (۱۲۷۱ هجری شمسی) در ساحل غربی رود

نیل در حدود شمال غرب آبادی «نگاده» (نکده یا نقده نیز نوشته شده

است) در زیر شنهای کویرلیبی، منطقه بزرگی شامل ۳۰۰۰ گور را کشف

نمود، که از این گورها آثار و شواهدی از ۲ دوران تمدن که تا آن زمان

ناشناخته بود به دست آمد. امروزه ما این تمدنها را با نامهای «تمدن نکده

اول» (حدود سالهای ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ قبل از میلاد) می شناسیم. این کشف به

عنوان یک عمل پیشرو و پویا محسوب شد. زیرا پژوهشها و آزمایشهای

بعدی نشان داد که: تمدن های نکده پیشتازان تمدن بزرگ مصر بودند. از

این تمدنها نخست طی سالهای ۳۱۰۰ تا ۳۰۰۰ قبل از میلاد مسیح یک عصر

متحد و یکپارچه ایجاد گردید و پس از آن (از حدود سال ۳۰۰۰ قبل از

میلاد) حکومت جهانی فراعنه گسترش یافت. از زمان کشف قبور تمدنهای

نکده تاکنون گورستانهای دیگری از دوران فراعنه نیز کشف و حفاری شده

است.

مراسم خاکسپاری و تزئین مردگان در گورستانهای مربوط به دوران نکده، در مقایسه با فرهنگ خاک سپاری در مصر قدیم بسیار ساده و ابتدایی بود. بیشتر به خاک سپرده شدگان دوران نکده خیلی ساده و در ملحفه های کتانی، چرم یا پوست پیچیده و یا دوخته شده، با پاهای جمع شده در چاله ای با کف صاف نهاده شده و بر آن پوشش ضخیم پتو مانند انداخته شده بود. چاله نیز با شن پر شده و چند سنگ سنگین بر روی آن غلطانیده شده بود تا کفتارها و دیگر جانوران لاشه خوار نتوانند به جسد دست یابند. به هر حال این روش ساده خاک سپاری نتیجه اعجاب انگیزی را برای حفارهای باستانشناسی در برداشت؛ بسیاری از مردگان در اثر شنهای داغ کویری در زمانی چنان کوتاه تمام رطوبت خود را از دست دادند که قبل از آنکه تجزیه جسد به درستی آغاز شود به مومیاییهای خشک طبیعی تبدیل شده بودند.

مومیایی های خشک دوران نکده امروزه در بسیاری از موزه های جهان مشاهده می شوند. یکی از این مومیاییها «جینجر» نامگذاری شده است، که متعلق به مردی مصری است که ۵۰۰۰ سال قبل مرده و کمی به سمت جنوب آبادی «نکده» در گورستان «جبل عین» به خاک سپرده شده بود. از اوایل قرن حاضر او در ویترنی در موزه بریتانیای شهر لندن نگهداری می



شود. نام «جینجر» را دانشمندانی که در موزه کار می کنند بر این مومیایی نهاده اند، زیرا موهایش با گذشت این مدت زمان طولانی رنگ زرد متمایل به قرمز زنجبیلی به خود گرفته است **Ginger** در زبان فارسی به معنای زنجبیل است. از نظر مردم آن دوران به خاک سپرده شدگانی چون «جینجر» مرده نبودند. آنها خوابیده بودند، و بعضی اوقات بیدار می شدند آنگاه از جا بر می خواستند به اطراف خود نگاه می کردند از موادی که در قبر آنها نهاده بودند و یا از سفره قربانی غذا می خوردند و آنگاه دوباره دراز کشیده و به استراحت می پرداختند.

آرامگاه کاپوچینو در پالرمو چگونه ایجاد شد؟

در سال ۱۶۳۴ میلادی (۹۱۳ هجری شمسی) کاپوچینوئیها، که یک فرقه مذهبی قدرتمند جوان و نوپا از شاخه قابل احترام و قدیمی فرقه مذهبی فرانسیسکن بودند جلوی دروازه های شهر پالرمو نخستین صومعه خود را در خاک جزیره سیسیل بنیان گذاشتند. در آنجا برادران پیرو عقاید مذهبی شدید آنها در ساختمانهایی بدون آرایش و زینت و در اتاقهایی اساسی فرقه خود کرده بودند. بعضی وقف: عبادت: تحقیق و تعلیم کتاب مقدس پرستاری و نگهداری فقرا و بیماران. فقر و تسلیم بی چون و چرایی که تا زمان مرگ با آنان همراه بود، آنگاه هنگامی که یکی از آنها می مرد، جسد او را به سادگی رد یک پارچه می پیچدند و آن را که به صورت یک

جسم رقت انگیز در آمده بود، به داخل دخمه هایی تنگ و قبر مانند رها می کردند تا سرنوشت هر آنچه را که می خواهد برسرش آورد. این شیوه تدوین نخست هنگامی که تغییر کرد که کاپوچینوییها در اواخر قرن شانزدهم میلادی مجبور شدند از گورستانهای قدیمی خود دست بردانند زیرا جای کافی برای تدفین تعداد رو به افزایش راهبان این فرقه وجود نداشت. در آن هنگام آنها تصمیم گرفتند در زیر محراب بزرگ آرامگاهی بزرگتر بنا کنند. به هر حال این اقدام آنها با موضوعاتی تعجب برانگیز و غافلگیرکننده خاتمه یافت. هنگامی که برادران فرقه برای انتقال ۴۰ جسد هم کیشان خود را از آرامگاه قدیمی به آرامگاه جدید وارد دخمه ها شدند، در نهایت تعجب دریافتند که برخلاف انتظارشان با تعدادی اسکلت سرو کار دارند بلکه با تعدادی مومیایی خشک روبرو هستند.

آیا این پیامی الهی بود؟ به هر حال این کشف شگفت انگیز و غیر عادی موجب گردید که اسقف اعظم فرقه تصمیمی جدی و سرنوشت ساز درباره نحوه دفن اجساد اتخاذ کنند. او به جای آنکه اجساد قدیمی را به صورت سرپوشیده به خاک بسپارد دستور داد این مومیاییها را در کنار دیوار به طور ایستاده قرار دهند. تا هشدار برای سایر راهبان فرقه باشند که خود را در نهایت دلسوزی و دل نگرانی دریابد این بود که: او با این اقدام خود

ناخواسته نوعی تمدن و فرهنگ مردگان را بنا می نهد که در زمان پس از او ابعاد وسیعی به خود میگیرد.

جنازه های باتلاق چیست؟

جنازه های باتلاق مردگانی هستند که با آب باتلاق مومیایی شده اند. این نوع خاص مومیایی طبیعی قبل از هر چیز دیگر در اثر مواد دباغی بسیار غنی که در آبهای باتلاق وجود دارد، ایجاد می شود. این مواد نوعی ترکیبات شیمیایی هستند که قادرند پوست را به چرم تبدیل کنند. آب باتلاق علاوه بر مواد دباغی، نوعی اسید ضعیف که اصطلاحاً اسید

هومین (Humin acid) نامیده می شود، دارد. این اسید وقتی دارای غلظت کافی در آب می شود نمک کلسیم اسکت جنازه را تجزیه و از استخوان جدا می کند. اسید هومین تحت شرایطی به عضلات و امعاء و احشاء جنازه نیز حمل می کند و لذا برخی اوقات این حالت پیش می آید که از بعضی از جنازه های باتلاق فقط یک پوست دباغی شده باقی می ماند. در

کنار این دو عامل فعل و انفعالات شیمیایی متعددی در مومیایی کردن جنازه ها در باتلاق نقش دارند که پرداختن به یکایک این فعل و انفعالات کاری مشکل و دقیق است. به دلیل این فعل و انفعالات مختلف شیمیایی جنازه های باتلاق در هر شکل و حالت ممکن و متصور می شوند. در بعضی جنازه ها فقط پوست و اجزای نرم باقی مانده است در برخی دیگر

فقط اسکلت باقی مانده است و در بین این دو کلیه مراحل تحولی دیگر وجود دارد. اما به ندرت می توان تمام اعضا و اجزا را شامل پوست، عضلات، امعاء و احشاء و استخوان با همدیگر به صورت کنسرو شده مشاهده کرد.

جنازه های باتلاق تقریباً به وفور از بالتاقها کشف شده اند. یک آمارگیری دقیق در سال ۱۹۶۵ (۱۳۳۴ ه.ش) ۷۱۱ مورد کشف ثبت شده جسدهای مومیایی باتلاق را در قاره اروپا نشان می دهد. از آن زمان تاکنون هر سال تعدادی به این آمار افزوده شده است. تعداد و محل کشف جنازه ها بر روی نقشه ای در این صفحه مشخص گردیده است.

جنازه های باتلاق می توانند خیلی قدیمی باشند. تقریباً ۵۰ درصد آنها متعلق به زمان قبل از میلاد مسیح هستند حدود ۴۰ درصد متعلق به زمان بین از میلاد مسیح و قرون وسطی می باشند. (تقریباً ۱۵۰۰ میلادی) و فقط ۱۰ درصد متعلق به عصر حاضر هستند.

### مومیاییهای مصنوعی

چرا قومها و تمدنهای مردگان خود را مومیایی می کردند؟

مومیایی کردن مصنوعی قبل از هر چیز دیگر علل مذهبی داشت. لیکن در کنار آن شکل ویژه ای از یاد بود مردگان و دلایل علمی نیز در مومیایی کردن اجساد نقش داشتند.

دلایل مذهبی بسیاری از قومها فقط هنگامی می توانستند ادامه حیات پس از مرگ را تصور کنند که جسد شخص متوفی سالم نگهداری می شد. مثلاً

مصریان قدیم این گونه فکر می کردند. بنابراین خویشاوندان و اقوام شخص مرده با مومیایی کردن او یک وظیفه شرعی و دینی پرستاری و مراقبت از مرده را به جا می آوردند زیرا آنها به این روش ادامه حیات عزیزان خود را در قبر و یا در دنیای دیگر تضمین می کردند.

یادبود ویژه مردگان در قومها و قبایلی که بین آنها دلایل مذهبی برای

مومیایی کردن اجساد وجود نداشت گهگاه این ضرورت پیش می آمد که بتوانند مردگان خود را پس از مرگ ببینند و آنها را ملاقات کنند. این موضوع به ویژه برای انسانهایی که دارای معنا و ارزش فوق العاده نزد قوم خود بودند رواج داشته و هنوز هم رواج دارد. بدین طریق مثلاً یونانیها که معمولاً عادت داشتند اجساد مردگان خود را بسوزانند جسد اسکندر کبیر

۳۵۶ تا ۳۲۳ قبل از میلاد) را مومیایی کردند. تا همیشه او را در میان خود بدانند. جسد او را در عسل به حالت کنسرو درآمد و بعداً در شهری به نام او «اسکندریه» نامیده شد، در یک تابوت شیشه ای دفن شد تا هر کس می خواست بتواند او را ببیند. گفته می شد در یکی از این دیدارها که توسط امپراتور «اگوستوس» (۲۷ قبل از میلادی) از قبر اسکندر به عمل آمد او بینی جسد اسکندر را شکسته و قطع کرده است. نمونه هایی از این نوع مومیایی کردن (مومیایی یادبود- مترجم) در کلیساهای کاتولیکها (یکی از فرق دینی مسیحیان- مترجم) نیز یافت می شود. تعداد بیشماری از روحانیون کاتولیک در این کلیساها در تابوتهای شیشه ای آرمیده اند تا تذکری برای پیروان و مؤمنان دین خود باشند که این روحانیون را در زندگی سرمشق خود قرار دهند.

دلایل عملی در جایی که دلایل مذهبی یا یادبود ویژه مردگان نقشی در مومیایی کردن اجساد بازی نمی کرد در خاک سپاری فوری آنها وجود نداشت. اغلب اتفاق می افتاد که شخصی در سرزمینی دور از وطن خویش فوت می کرد و باید از مسافتهای دوری به گورستانی در وطن خود انتقال می یافت. یا این که مراسم خاک سپاری جسد در طول این مدت باید در معرض نمایش عام گذاشته می شد. چنین مراسمی تشریفاتی به خاک

سپاری مثلاً درباره پاپها (بالاترین مقام مذهبی مسیحیان کاتولیک) یا پادشاهان اسپانیا، فرانسه و انگلستان در دورانهای طولانی متداول و مرسوم بود.

به هر حال می توان گفت که حداقل از قرن دوازدهم میلادی (قرن ششم هجری) سنت مومیایی کردن اجساد به دلایلی که به آن اشاره شد آن چنان در اروپا متداول شده بود که جراحان معروفی از قبیل «هنری دوموندی» (وفات ۱۳۲۰ میلادی) یا «پیترو دو آرژلاتا» (وفات ۱۴۲۳ میلادی) در کتابهای آموزشی خود فصلهایی را به روشها و فنون نگهداری و حفظ اجساد برای زمان محدود اختصاص دادند.

در کدام قسمتهای دنیا اجساد مردگان مومیایی می شدند؟

تلاش برای حفظ و نگهداری اجساد در گذشتگان از طریق مومیایی کردن آنها در تمام نقاط زمین متداول و مرسوم بوده است. در هر صورت چنین تلاشهایی در بسیاری از سرزمینها بیشتر پدیده جانبی زندگی مذهبی و یا زندگی تشریفاتی بوده است. در مناطق دیگری از دنیا برخلاف آن مومیایی کردن اجساد نقش ویژه ای را در شناخت و عقاید و جهان بینی انسانها درباره مرگ و دنیای پس از آن بازی می کرده است. دانش و آگاهی های دقیقتر، درباره مورد اخیر از پژوهش در تاریخ مصریان باستان اقوام پروی باستان سکاها و اخیراً نیز از پژوهش در تاریخ چینی ها حاصل شده است.

مصر باستان از دیرباز به عنوان امپراتوری مومیاییها شناخته شده است. و این لقبی است که درست. زیرا در آنجا عمل مومیایی کردن در طول قرنها ابعاد یک صنعت همه جانبه و فراگیر به خود گرفت که دهها هزار کارمند و کارشناس و تعداد بیشماری مشاغل جانبی را به خود اختصاص داده بود و برای گروه عظیمی از انسانها کار و معیشت ایجاد می کرد.

پروی باستان نیز از تمدنهایی است که مومیایی کردن در آن متداول بود. قرنها قبل از آنکه اینکاها در قرن پانزدهم میلادی تمام منطقه را تحت سلطه خود در آوردند. تمدنهای شکوفای سرخپوستان گورستانهایی وسیع و گسترده در زمینهای ساحلی اقیانوس آرام ایجاد کرده بودند که در دوران اخیر از این گورستانها هزاران متر بسته مومیایی از زیر خاک بیرون آورده شده اند.

سکاها نیز بر هنر مومیایی کردن تسلط کامل داشتند. آنها قبایل اسب سوار چادرنشینی بودند که در قرن هفتم قبل از میلاد از ایران به جلگه های وسیع پر آب جنگلی و مرتعی جنوب روسیه نفوذ کردند و بعدها در آنجا پادشاهی نیمه چادرنشین بدون شهری را بنا نهادند. رسوم و سنن خاک سپاری سکاها مانند سنن و عادات کشورداری آنها غیر عادی و عجیب بود. اگر پادشاه یا شاهزاده ای از آنان می مرد امعاء و احشاء او از



بدنش خارج می شد جسدش به دقت مومیایی و آرایش می شد لباس پوشانیده می شد و آنگاه با شکوه و جلال و کبکبه و دبدبه بی نظیر، در تمام سرزمین گردانیده می شد. نخست پس از چند هفته جسد مومیایی به خاک سپرده می شد که البته اغلب اوقات زندهای سوگلی شخص در گذشته آثار و ابنیه دربارش اسبها و احشان و زینت آلات گرانبیشتش در عمق زمین در یک مقبره چوبی و یا دخمه های زیرزمینی با شبکه بندیها و انشعابهای فراوان همراه با جسد مومیایی دفن می شدند. برده ها به عنوان نشانه ظاهری آرامگاه بر روی آن یک تپه خاکی عظیم ایجاد می کردند (به زبان روسی کورگان) که می توانست به قطر ۳۵۰ متر و ارتفاع یک خانه پنج طبقه باشد. حفاری و پژوهش این کورگانهای سکایی در جنوب روسیه و در شبه جزیره کریمه هنوز ادامه دارد.

جدیدترین اخبار درباره مومیاییها از کشور چین به دست آمد. از سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴ هـ.ش) در استانهای «هونان» و «هوبای» چین مومیاییهای اشراف و نجیب زادگان و کارمندان دولتی در وضعیت و حالتی کشف و حفاری شده اند که تاکنون در هیچ نقطه جهان مومیاییهایی در چنین حالت و وضعیتی کشف نشده است. در تمام موارد کشف شده اجساد مومیاییها کاملاً سالم و بدون پوسیدگی بوده است. هیچ یک از اجساد

کم نبود. مردگان در کف گورهایی که تا ۲۰ متر عمق داشتند در دسته هایی از دور آنها از لایه ای زغال چوب و یک پوشش ضخیم از گل سفید پوشانیده شده بود. پژوهشگران و حفاران نتوانستند کوچکترین اثری ظاهری از پوسیدگی و تعفن در اجساد بیابند. پوست اجساد خاصیت ارتجاعی خود را حفظ کرده بود، اعضا بدن نرم و قابل حرکت دادن بود مغز و اعضا داخلی به ندرت تغییر یافته و چروکیده بودند.

راز سالم ماندن این مومیاییها در مایعی ژلاتینی سرخ مایل به قهوه ای تیره رنگ و دارای ترکیبات جیوه ای قوی که داخل تابوتها با آن پر شده بود نهفته است. ترکیب دقیق و چگونگی تأثیر این مایع بر اجساد تاکنون به طور دقیق گشف و بیان نشده است. اصولاً پژوهش درباره مومیاییهای چینی هنوز کاملاً در ابتدای راه قرار دارد.

قدیمی ترین آرامگاه مومیایی مصریان چه شکلی داشت؟

قدیمی ترین آرامگاه مومیایی در مصر باستان که «مصطبه» نامیده می شد. ساختمانی از آجرهای گلی بود که ابتدائی ترین نوع آن را یک قبر زیرزمینی و یک تپه گورخانه مانند که روی آن ساخته شده بود تشکیل می شد. به منظور استحکام این آرامگاه چهارگوش دیوارهای جانبی آن کمی مورب به سمت داخل ساخته می شد.

در قسمت شرقی «مصطبه» برای اجرای مراسم نیایش مذهبی برای مرده یک اطاق نیایش با میز قربانی یا سکوی قربانی وجود داشت که بعدها دیوار پشت سکو به صورت یک در خیالی ساخته شد. مردم آن زمان بر این تصور بودند که «روح کا»ی شخص مرده از این در پا به محیط آزاد می گذارد تا از آنچه که دیدارکنندگان از آرامگاه بر سکوی قربانی قرار داده بودند بخورد و بیاشامد.

با گذشت زمان «مصطبه» ساختمان پیچیده تر و مفصلتری پیدا کرد. یکی از تغییرات روی مقبره اصلی صورت گرفت. برای جلوگیری از دسترسی و دسبرد گوردزدها به قبر، آن را در عمق زمین حفر کردند. فقط یک کانال ورودی عمودی تنگ به قبر راه داشت که به هر حال پس از خاکسپاری مومیایی این کانال یا سنگ و ملات پر و بسته می شد.

دومین تغییر در «مصطبه» این بود که اطاق قربانی را داخل تپه آرامگاه قرار دادند. به این ترتیب در ساختمان آجری عظیم اولیه نخست یک عبادتگاه نیایش و سپس عبادتگاهی دیگر برای «مجسمه-کا»ی شخص مرده و بالاخره تعداد بیشماری اطاق و سرسرای دیگر ایجاد گردید. نقطه اوج پیشرفت ساختمانی مصطبه در حدود سالهای ۲۲۸۰ قبل از میلاد مسیح به هنگام ساخت مصطبه «وزیر موروکا» در شهر «ساکره» است. در

ساخت این آرامگاه مهندسان معماری ساختمان روی قبر را به صورت یک «معبد مرگ» با ۳۲ اتاق که به وفور با جواهرات و زینت آلات تزئین شده بود در آوردند.

اهرام چگونه ایجاد شدند؟

دومین نمونه متداول ساخت آرامگاه در مصر باستان هرم بود، هرم آرامگاهی شاهانه بود چون در زیر آن (و بعدها نیز در داخل آن) تنها اجساد مومیایی فرعونها و خویشاوندان نسبی آنها به خاک سپرده می شدند. هرم از تکامل مصطبه ساخته شد. چگونگی این تکامل به نجو بارزی در

تاریخ ساختمان آرامگاهی که «شاه دیوسر» دومین فرعون حکومت باستان در حدود سال ۲۶۰۰ قبل از میلاد دستور داد در جنوب دلتای رود نیل در کنار شهر ساکره بسازند، مشهود است. این تأسیسات که نخستین بنای یادبودی سنگی در تاریخ بشریت است در ابتدا به شکل یک مصطبه عظیم بر روی زمینی به ابعاد ۶۳ متر و در ۶۳ متر و به ارتفاع ۸ متر بود. معماران

«دیوسر» با وسعت دادن به زیربنای این ساختمان ابتدا ۴ تپه مصطبه و بعداً ۲ تپه مصطبه دیگر که هر چه به سمت بالا می رفت کوچکترین می شد، ساختند نتیجه این کار ساختمانی یک مصطبه پلکانی ۶ طبقه بود که همانگونه که از تصویر پیداست به خوبی می توان آن را با نام «هرم پلکانی» مشخص نمود.

از مصطبه پلکانی دیوسر تا نخستین هرم واقعی با دیوارهای صیقلی ، به مانند آنچه که فرعون سنوفرو (۲۵۷۰ تا ۲۵۴۵ قبل از میلاد مسیح) دستور داد در «مدوم» برپا کنند تنها قدم کوچکی باقی مانده بود. و بالاخره نقطه اوج توسعه و تکامل ساخت هرمها در دوران فراعنه بعد از سنوفرو یعنی فرعون خئوپس (۲۵۴۵ تا ۲۵۲۰ قبل از میلاد) و فرعون خفرن (۲۵۱۰ تا ۲۴۸۵ قبل از میلاد) بود که اهرام بنا شده به دستور آنان در عصر باستان جزو عجایب هفتگانه جهان به شمار می رفت. برای اطلاع بیشتر به «عجایب هفتگانه جهان» مراجعه کنید.

منابع:

نام کتاب: مومیایی ها، مومیاییهای خشک، دانستنیها

نام نویسنده: پروفیسور ولفانگ تارنووکسی ، محمد شریفی، رضا هاشمی

نژاد

مترجم: بهروز بیضایی

سال انتشار: ۱۳۷۲

نشریه: کتابهای بنفشه، دانستنیها، گل واژه.